

سیمای احمد شاه قاجار

بعد از گذشت نیم قرن

- ۴ -

گزارش آلفیت - مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۲۰ *

« وزیر امور خارجه لرد کرزن از ما درخواست کرده است که درباره نتایج احتمالی خروج قوای بریتانیا از ایران و همچنین کمک های مالی و نظامی به حکومت تهران (که قهراً به از بین رفتن قرارداد ۱۹۱۹ منجر خواهد شد) گزارشی خدمتشان تسلیم کنیم . از فحوای بیانیه خود لرد کرزن که در تاریخ عقد قرارداد صادر گردیده ، به خوبی می توان دریافت که فراخوانده شدن قوای بریتانیا از ایران و قطع کمک های مالی و نظامی ما به این کشور (کمک هایی که تحت قرارداد ۱۹۱۹ پیش بینی شده است) تقریباً به طور حتم نتایج زیر را در بر خواهد داشت :

۱- بالشویک ها که طبق گزارش های رسیده قسمتی از ایالت گیلان را هم اکنون به یک جمهوری سرخ تبدیل کرده اند دامنه نفوذ خود را بیگمان به سایر ایالات ایران نیز گسترش خواهند داد و عناصر آشوب طلب این ایالات را که منتظر چنین فرصتی هستند به دام تبلیغات خود خواهند انداخت . در قبال این وضع ، تردیدی نیست که حکومت و ثوقه

* - سند شماره ۴۶۴ (از مجموعه اسناد دیپلماسی بریتانیا) - سری اول - جلد

۱۳ / ص ۵۱۷ .

این اسناد که معمولاً سی یا پنجاه سال بعد از تاریخ وقایع ضبط شده در آنها منتشر می گردند از نظر تاریخ دیپلماسی اهمیتی فراوان دارند . برای تشخیص ارزش حقیقی آنها باید به این نکته توجه داشت که این اسناد از طرف يك سیاستمدار انگلیسی به يك سیاستمدار ایرانی نوشته نشده است که بگوئیم فرضاً نویسنده انگلیسی خیال گمراه کردن یا دست - انداختن همای ایرانی خود را داشته است . این اسناد از طرف رجال یا سفیرانی که دارای مقامات بسیار مسئول در کادر دیپلماسی بریتانیا بوده اند برای اطلاع کابینه انگلیس یا برای آگاه نگاهداشتن وزیر خارجه انگلیس از جریانات سیاسی دنیا (منجمله خاورمیانه) تنظیم شده اند . برای محققانی که معمولاً با این گونه اسناد سیاسی سرو کار دارند شاید تذکر این نکته زاید باشد که يك کارمند عالیرتبه وزارت خارجه انگلستان ، یا یکی از سفرای آن دولت ، در گزارش محرمانه ای که برای وزیر خارجه متبوعش می فرستد امکان ندارد که مطالبی برخلاف حقیقت بگنجاند مخصوصاً با علم به این نکته که هر چه در آن گزارش ها می نویسد جنبه سری و محرمانه دارد و تا پنجاه سال دیگر چشم نامحرمی به آن نخواهد افتاد .

الدوله سقوط خواهد کرد و با کنار رفتن او قرارداد نیز از بین خواهد رفت زیرا به عقیده وزیر مختار اعلی حضرت پادشاه انگلستان در تهران (سرپرسی کاکس) پس از کنار رفتن نخست وزیر کنونی دیگر حکومتی که به اندازه حکومت او حاضر به همکاری با ما باشد ، پیدا نخواهد شد استقرار رژیم بالشویکی در ایران سرانجام منجر به تجزیه این کشور خواهد شد و در هرج و مرجی که به دنبال این وضع پیش خواهد آمد بسیاری از کنسولگری ها و دیگر مؤسسات سیاسی و مالی و فرهنگی بریتانیا در قسمت بالشویک شده ایران ناچار خواهند شد که کارهای خود را تعطیل کنند و به سایر نقاط ایران منتقل گردند .

۲- نتیجه مستقیم پیدایش هرج و مرج در ایران به خطر افتادن وضع ما در عراق خواهد بود و دامنه این خطر تا آنجا ممکن است توسعه یابد که موقعیت ما را حتی در بغداد نیز دشوار سازد .

۳- نتیجه غیرمستقیم (ولی بسیار محتمل) پیروزی بالشویک ها در ایران ، سرایت خطر اغتشاش و ناامنی به مرزهای افغانستان و بلوچستان خواهد بود که از این دو نقطه به احتمال نزدیک به هند نیز سرایت خواهد کرد .

در حال حاضر مهمترین اقلام کمک مالی ما به دولت ایران عبارتند از : (۱)

۱- ۳۵۰٫۰۰۰ (سیصد و پنجاه هزار تومان) کمک نقدی ماهیانه به حکومت تهران برای تأمین هزینه های ضرور دولتی . این کمک قرار بود در ماه گذشته به پایان برسد ولی در نتیجه تقاضای عاجل نماینده مالی ما در تهران (که نظرش مورد تأیید سرپرسی کاکس است) تصمیم بر این شد که پرداخت همین مبلغ (علی رغم مخالفت خزانه داری) تا سپتامبر سال جاری ادامه یابد .

۲- پرداخت مبلغ پانزده هزار تومان به صورت مقرری ماهیانه به خوداحمدشاه . پرداخت این مقرری مشروط بر این است که اعلی حضرت از وثوق الدوله حمایت کند و نیز پشتیبان قرارداد باشد .

۳- پرداخت مبلغ یک صد هزار تومان مقرری ماهیانه برای نگهداری لشکر قزاق ایران . پرداخت این مقرری ، بنا به توصیه سرپرسی کاکس ، کماکان ادامه دارد .

۴- مخارج نگاهداری قوی نظامی ما در خراسان . « این مخارج تاکنون در حدود شش میلیون تومان در سال پیش بینی شده است ولی چون دستور احضار این نیرو از خاک ایران هم اکنون صادر گردیده ، بودجه آنها در آتیه تحمیلی بردوش خزانه داری نخواهد بود » (۲)

چنانکه می بینیم شایعه مخالفت احمد شاه با قرارداد افسانه ای بیش نیست . او نه تنها با بسته شدن این قرارداد مخالف نبود بلکه ماهی پانزده هزار تومان (به پول آن زمان) مقرری ماهیانه از انگلیسی ها می گرفت که از خود قرارداد و از نخست وزیر عاقد آن

۱- تمام این اقدام طبق ارزش پول در پنجاه و چهار سال قبل باید حساب شوند .

۲- سند شماره ۴۶۴ (از مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا) - جلد سیزدهم ، ص ۵۱۷

پشتیبانی نماید . مخالفت احمد شاه با این قرارداد از مرقعی شروع شد که در ضمن سفر فرنگستان (که مقصد نهائی آن لندن بود) دول اروپائی از پادشاهی که با عقد چنین پیمانی می رفت کشور خود را عملاً تحت الحمايه بیگانگان سازد به سردی و بی اعتنائی پذیرائی کردند و همین عکس العمل ناعساعد دول اروپائی او را متوجه خطبی که مرتکب شده بود ساخت به طوری که در ضیافت پادشاه انگلیس در لندن حتی جرئت پشتیبانی علنی از قرارداد را در خود احساس نکرد . ولی مخالفت حقیقی وی با قرارداد ، چنانکه خواهیم دید ، معلول قطع شدن مقرری ماعیانهاش پس از سقوط کابینه وثوق الدوله بود .

حضرت اشرف آقای وثوق الدوله در موقع سفر اروپا



His Mr. Mirza Hassane Khan Vossoughi (Vossoughed-dowieh).

Его Превосходительство господина Мирза Хассан Хан Воссуг (Воссугед-дохъ).

در جریان این قضایا (پیاده شدن نیروهای بالشویکی در انزلی و تأسیس جمهوری سرخ در گیلان) شاه و وزیر خارجه اش نصرت الدوله فیروز هر دو در اروپا بودند و در غیاب آنها مشکلات مهم مملکتی را در تهران عملاً یک هیئت سه نفری مرکب از وثوق الدوله (نخست وزیر) ، سرپرسی کاکس (وزیر مختار انگلیس در تهران) و ژنرال دیکسن (رئیس میسینون نظامی بریتانیا در ایران) حل و فصل می کردند . در رأس این مشکلات اشغال غازیان و انزلی به وسیله بالشویک ها ، تشکیل حکومت متجاسران (جنگلی ها) در گیلان و مازندران ، بی پولی شدید دولت مرکزی ، و از همه مهمتر مسئله دیوژیون قزاق ایران و اصرار شدید انگلیسی ها برای اخراج افسران روسی و قرار دادن کلیه نیروهای مسلح ایران تحت نظارت افسران انگلیسی بود .

شاه در چهاردهم رمضان ۱۳۳۷ قمری (= سوم ژوئن ۱۹۲۰) از سفر فرنگستان

بازگشت وبا ورود او به تهران پایه های حکومت و ثوق الدوله متزلزل شد. احمدشاه هرگز و ثوق الدوله را دوست نداشت و اگر ملاحظه قطع شدن مقرری ماهیانه اش از طرف انگلیسی ها نبود - چون شرط مهم پرداخت این مقرری چنانکه دیدیم این بود که حکومت و ثوق الدوله سرکار باقی بماند - بیگمان ماه ها پیشتر به عمر حکومت و ثوق الدوله خاتمه داده بود .

در روز هشتم ژوئن (یعنی پنج روز پس از بازگشت شاه از فرانک) اول وزیرمختار انگلیس در تهران (سرپرسی کاکس) و سپس (در دو نوبت متوالی) و ثوق الدوله نخست وزیر به حضور شاه شرفیاب شدند . وزیر مختار انگلیس گزارش شرفیابی خود را همانروز به لندن مخابره کرده است :

« نخست وزیر و ثوق الدوله دو فقره ، و خود من يك فقره ملاقات با شاه داشته ایم . در مصاحبه ای که میان احمد شاه و خود من صورت گرفت معظمله اعلام داشت که با کمال میل از حکومت و ثوق الدوله پشتیبانی خواهد کرد و در مورد لشکر قزاق هم با اینکه از وفاداری آنها نسبت به خودش کمال اطمینان را دارد ، به پاس حفظ روابط حسنه اش با ما ، حاضر است که توصیه ما را در مورد آتیه این لشکر بپذیرد . (۱)

اعلی حضرت اظهار داشت که پس از بازگشت به ایران به این حقیقت پی برده است که و ثوق الدوله دشمنان زیادی برای خود درست کرده است ولی به هر حال قول سابق خود را دایر بر اینکه از حکومت و ثوق الدوله ، تا موقعی که ما بخواهیم ، پشتیبانی خواهد کرد ، دوباره تکرار کرد .

اما و ثوق الدوله از نتیجه مذاکراتش با شاه خیلی افسرده بود و می گفت که شیوه شاه همین است که در هر موردی قول کمال مساعدت را می دهد ولی به محض اینکه اقدام عملی لازم می شود تا کنیک طرفه زدن را پیش می گیرد و می گوید که فعلا خسته است و باید سر فرصت پیشنهاد دولت را مطالعه کند و درباره اش تصمیم بگیرد

ولی آخر هر مطلب (به گفته و ثوق الدوله) به طرح شدن دعاوی مالی اعلی حضرت از حکومتش منجر می گردد . در ملاقات اخیر باز هم نخست وزیر را به باد انتقاد کشیده و از او مؤاخذه کرده بوده است که چرا دولت بدهی های او را که در سفر اروپا انباشته شده است نمی پردازد . اعلی حضرت ظاهراً بر این عقیده است که هر چه در ضمن این سفر خرج کرده باید از کیسه دولت پرداخت شود و برای کسب اطمینان از حسن نیت نخست وزیر از او درخواست کرده است که مبالغ زیر به فوریت پرداخت گردد :

۱- مبلغ يك میلیون فرانک که از کیسه خود خرج کرده است .

۲- هشت هزار لیره که پیش از حرکت از تهران از پرنس فیروز قرض کرده .

۳- پنجاه هزار تومان که پیش طومانیانس صراف داشته ولی مشارالیه به علت ورشکستگی قادر به پرداخت آن نیست .

و ثوق الدوله به شاه قول داده است که فکری درباره تأمین این پول ها بکند ولی پیش

۱- توصیه انگلیسی ها ، چنانکه اشاره شد ، اخراج افسران روسی لشکر قزاق و قراردادن این لشکر تحت فرمان افسران انگلیسی بود .

خود من صریحاً اقرار کرد که معطل مانده و هیچ نمی‌داند چه بکند چون محلی که بشود این پول‌ها را از آنجا فراهم کرد سراغ ندارد..... ما فعلاً منتظر ورود مستر فورمن هستیم و امیدواریم که مشارالیه با استفاده از آن روابط حسنه که در ضمن اقامت شاه در اروپا با وی پیدا کرده است بتواند از تشدید اختلاف این دو نفر (شاه و وثوق الدوله) و بهم خوردن روابط آنها جلوگیری کند.... (۱)

نورمن که در این گزارش از او نام برده می‌شود به عنوان وزیر مختار جدید بریتانیا در ایران (برای جانشینی سرپرسی کاکس) انتخاب و در لندن به حضور شاه معرفی شده بود. اما در تاریخ ورود احمد شاه به تهران، وزیر مختار جدید هنوز در راه بود و چند روز بعد به مقر مأموریتش رسید.

اکنون باید دید علت مخالفت احمد شاه با وثوق الدوله چه بود.

علت مخالفت احمد شاه با وثوق الدوله

به عقیده ملک الشعراء بهار که به جریان‌های سیاسی این دوره استثنائاً خیلی وارد است (چون خودش در جزر و مد این جریان‌ها بوده) :

سلطان احمد شاه چندی بود که در امور مملکتی خاصه در عزل و نصب حکام ایالات مداخله می‌کرد و فوایدی (مداخلی) منظور می‌نمود و برسر این قبیل موضوعات شکر آبی بین شاه و وثوق الدوله پیدا شد خاصه پس از آنکه شاه امر کرد که قوام السلطنه والی خراسان (و برادر وثوق الدوله) احضار شده و شاهزاده نصرت السلطنه (عموی احمد شاه) به عنوان والی جدید به ایالت مزبور گسیل گردد. وثوق الدوله در این باب مقاومت به خرج داد زیرا قوام السلطنه در خراسان اقدامات مفید و مؤثری در امنیت و قلع و قمع اشرار کرده به علاوه با آزادیخواهان و حزب دموکرات همفکر شده و آنها را به خویشان متمایل ساخته بود. ولی شاه برای عزل قوام السلطنه اصرار داشت و نتیجه این شد که اعضای مرکزی حزب دموکرات کنفرانسی در مدرسه تدین تشکیل دادند و به مداخلات بی رویه شاه در امور مملکتی اعتراض کردند. اعلامیه‌ای هم در این خصوص منتشر شد. از آن طرف دموکرات‌های مشهد و سایر طبقات علما و اصناف آن شهر نیز تلگرافاتی دایر به ابقای قوام السلطنه به مرکز مخابره کردند و جمعی از علما و اعیان و آزادیخواهان تهران را به تلگرافخانه خواستند که تقاضای خود را حضوری نیز به آنها اطلاع دهند. با الجمله شاه در این هنگامه شکست خورد و ساکت شد اما کینه وثوق الدوله را به دل گرفت.

بعد از انتشار مواد قرارداد، تحریکات شدیدی در جراید بر ضد وثوق الدوله شروع شد و جمعی از دموکرات‌ها و آزادیخواهان که محل اجتماعشان گاهی خانه حاج امام جمعه خوئی و گاهی منزل مرحوم سید حسن مدرس بود شبنامه‌ها و مقالات شدید‌اللحن بر ضد دولت منتشر ساختند و گفته شد که احمد شاه با آنها همدستان است.

روزی برای کاری به فرح‌آباد می‌رفتیم. دم دروازه شمیران سرجاده دوشان‌تپه قزاق

قراول مقصد ما را تحقیق کرد و در سر راه فرح آباد نیز قراولی دیگر سد راه گردید ولی چون توضیح دادیم که با هیئت دولت سروکار داریم مانع نشدند و راه دادند دو بعد از آن از رئیس دولت (وثوق الدوله) علت را سؤال کردم معلوم شد که احمد شاه همان روز افراد ناراضی را به قصر خود طلبیده و آنها را به مخالفت با دولت ترغیب می کرده است . نیز گفته شد که برای امضای قرارداد حق الزحمه می خواهد و صریح می گوید که شما پول گرفته اید و امضا کرده اید، من که پولی نگرفته ام چرا امضاء کنم ؟ (۱)

این صحبت ها در میان خواص و نزدیکان دولت گفته می شد و آنچه درباره اش شك نداریم این است که شاه مردم را به مخالفت با وثوق الدوله ترغیب می کرده !
دیگر آنکه وثوق الدوله خواست انتخابات دوره چهارم را که قسمت مربوط به تهرانش در کابینه های قبلی انجام شده بود به پایان برساند ولی شاه جداً مانع این امر بود حتی در کاشان که انتخابات شروع شده بود ، شاه ماشاء الله خان را مأمور کرد که انجمن نظار را بهم بزند و حاکم کاشان را نیز احضار نمود و یکی دیگر از درباریان را به حکومت کاشان منصوب کرد

دیگر مسئله قزاقخانه بود که در این تاریخ وثوق الدوله هر قدر می خواست دسته های از قزاق همراه حکام ایالات و ولایات برای نظارت در امر انتخابات اعزام کند شاه زیر بار نمی رفت و به صاحب منصبان قزاق دستور تمرد می داد ! (۲)

از اولین اقدامات سیاسی نورمن در تهران (پس از تقدیم استوارنامه اش به احمدشاه) تقاضای وقت ملاقات از پادشاه ایران برای مذاکره در اطراف مسائل مهم مورد علاقه دو کشور بود. این ملاقات در یازدهم ژوئن ۱۹۲۰ صورت گرفت و گزارش آن روز بعد به لندن تلگراف شد . از لحن این تلگراف میزان وحشت فوق العاده شاه از نزدیک شدن خطر بالشویزم به تهران به خوبی محسوس است و از وزیر مختار جدید انگلیس ملتسانه درخواست می کند که از هیچ کوششی برای نجات دادن پایتخت خودداری نشود .
و به اعلی حضرت عرض کردم که نگرانی ایشان بی مورد است و هنوز خطر فوری

۱- استدلال احمد شاه ظاهراً این بود که آن مقرری پانزده هزار تومان که ماهیانه از انگلیسی ها دریافت می کند فقط برای حفظ حکومت وثوق الدوله است. ولی برای توشیح آن قرارداد حق العمل جداگانه ای باید دریافت کند که هنوز نکرده است .

اما آن شکایت سوزناک وی که گفته نخست وزیر (وثوق الدوله) و همکاران نزدیک وی در کابینه قرارداد (نصرت الدوله فیروز و صارم الدوله مسعود) هر سه رشوه گرفته اند، متأسفانه کاملاً صحیح است زیرا این سه وزیر د ایرانی ، من حیث المجموع مبلغ چهار صد هزار تومان (به پول آن زمان) برای امضای قرارداد تحت الحمايه کردن ایران از انگلیسی ها پول گرفته و میان خود تقسیم کرده بودند .

بنگرید به تلگراف های محرمانه ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۸ - ۵۹۳ در مجموعه اسناد مربوط به سیاست خارجی بریتانیا - جلد سیزدهم .

۲- محمدتقی بهار- تاریخ احزاب سیاسی یا انقراض سلسله قاجار - صفحات ۳۷-۳۵.

تهران را تهدید نمی کند . ضمناً برای رفع تشویش خاطر ملوکانه قول دادم که شخصاً نیز در این باره با مقامات نظامی انگلستان در ایران صحبت خواهم کرد و امیدوارم که بتوانم فکر ایشان را کاملاً از این حیث آسوده سازم . اطمینانی که به اعلیحضرت دادم مبنی بر قولی است که خود فرمانده نوبرفورث به من داده و گفته است که تا موقعی که نیروهای کنونی بالشویک در ایران با افزوده شدن مهمات و نفرات تازه نفس تقویت نیافته اند ، اورسماً تهدید می کند که با همین نیرویی که فعلاً در اختیار دارد جلو هر نوع حمله بالشویکها را به تهران بگیرد و از پایتخت دفاع کند و من از وثوق الدوله خواهش کردم که عین این گفته فرمانده انگلیسی را به اطلاع اعلی حضرت برساند ... ، (۱)

ولی امیدواری اولیای سفارت انگلیس در تهران که وزیر مختار جدید آنها (مستر نورمن) بتواند روابط تیره احمد شاه و وثوق الدوله را اصلاح کند به نومییدی انجامید و شاه با آن تکنیک خاص خود که میخواست هم نخست وزیر را از کنار برکنار و هم مقرری ماهیانه اش را کماکان از انگلیسیها دریافت کند ، به تحریکات مخفی و آشکار خود علیه وثوق الدوله ادامه داد . وثوق الدوله از دست شاه پیش وزیر مختار انگلیس شکایت برد :

« ... نخست وزیر دیروز (سیزدهم ژوئن) به ملاقاتم آمد و از وضع دشواری که با آن روبرو شده است برایم صحبت کرد . حضرت اشرف که فوق العاده کسل و افسرده به نظر می رسید و معلوم بود که حقیقه بیمار است اظهار داشت که با وصف قولها و وعده های مکرر شاه ، احساس شخصی وی این است که اعلی حضرت دیگر به وی اعتماد ندارد که سهل است رسماً با مخالفان دولت برای ساقط کردنش همدست شده است . مهمترین دلیل مخالفت شاه با کابینه کنونی (به عقیده وثوق الدوله) همین است که ایشان تاکنون نتوانسته اند برای پرداخت صورت حسابی که شاه در سفر اروپا درست کرده تأمین محل کنند ... » (۲)

روز بعد کنیل وزارت خارجه ایران وزیر مختار انگلیس را ملاقات کرد و به وی اطلاع داد که وثوق الدوله از آنجا که به هیچ وجه قادر به کار کردن با احمد شاه نیست ، تصمیم قطعی گرفته است که استعفا کند .

وزیر مختار جواب داد که استعفای وثوق الدوله در این موقع حساس که تکلیفقرارداد هنوز روشن نشده صلاح نیست :

« ... به کنیل وزارت امور خارجه گوشزد کردم که شاه مصلحت خاصی در حفظ حکومت کنونی دارد و آن قضیه پرداخت مقرری ماهیانه به اعلی حضرت را برایش فاش کردم و گفتم که اگر وثوق الدوله حقیقتاً بتواند شاه را از عواقب عملش (که از دست دادن این مقرری است) آگاه سازد ، وی ممکن است دست از این دسیسه بازی ها بردارد و عملاً از حکومت پشتیبانی کند ... با این که خودم این راه را به کنیل وزارت خارجه نشان دادم ولی از موفقیت آن زیاد مطمئن نیستم و تصور می کنم نقشه شاه این باشد که با کارشکنیها و تحریکات مکررش ، وثوق الدوله را اجباراً مستعفی سازد و سپس پیش دولت بریتانیا این طور

۱ - اسناد سیاسی بریتانیا - سند شماره ۴۵۹ - ص ۵۱۱ .

۲ - اسناد سیاسی بریتانیا - سند شماره ۴۶۲ - ص ۵۱۳ .

استدلال کند که چون وثوق الدوله به میل خود استعفا داده ، قطع مقرری ماهیانه خود وی انصاف نیست ... (۱)

در این ضمن اولیای خزانه داری انگلستان که متوجه شده بودند قسمتی از کمک های مالی آنها به دولت ایران تباه می شود و به مصارف غیر لازم می رسد از ادامه پرداخت آن استنکاف کردند. این کمک ها ، چنانکه دیدیم ، شامل دو قلم اساسی بود : یکی مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان که برای پرداخت مخارج کارمندان و سایر هزینه های ضرور دولتی به خزانه ایران پرداخت می شد. دیگری مبلغ یکصد هزار تومان بودجه ماهیانه لشکر قزاق که آن را نیز در این تاریخ انگلیسی ها علی الحساب می پرداختند . در نحوه برداشت هایی که از این مبلغ اخیر می شد دولت متأسفانه نظارت محکمی نداشت و اختیار کیسه پول دست استراسلسکی بود که شهرت داشت باطناً با احمد شاه شریک است و به اتکاء قدرت مقام سلطنت مقداری از حقوق قزاقها را تفریط می کند. ولی اختلاف عمده احمد شاه و وثوق الدوله بر سر پرداخت همین مخارج هنگفت سفر اروپا بود که احمد شاه اصرار داشت باید از خزانه دولت ، یعنی از همان مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان که به شکل مساعدت ماهیانه به خزانه ایران ریخته می شد، پرداخت گردد و وثوق الدوله زیر این بار نمی رفت. وزیر مختار انگلستان مجدداً در روز بیستم ژوئن ۱۹۲۰ شرفیاب شد :

« ... در شرفیابی بعد از ظهر امروز به اعلی حضرت اطلاع دادم که با هزار زحمت می گویم دولت متبوع خود را راضی کنم که کمک مالی به دولت ایران را برای ماه جاری نیز بپردازند ولی اکراه اولیای لندن بیشتر از این لحاظ است که پول هایی که تاکنون پرداخت شده به مصارف حقیقی اش نرسیده ...

شاه در این جا از من پرسید: آیا نخست وزیر حرفی در این باره به شما زده؟ باینکه میان من و وثوق الدوله صحبت هایی در همین زمینه صورت گرفته بود ولی چنانکه وظیفه ام اقتضا می کرد منکر این قسمت شدم و خدمتشان عرض کردم که مشار الیه چیزی به من نگفته است .

در این جا اعلی حضرت مجدداً موضوع مطالبات خود را پیش کشید و گفت که حکومت وثوق الدوله پیش از حرکت به اروپا به وی قول داده بوده است که تمام هزینه های سفرش را بپردازد و اکنون به وعده خود وفا نمی کند و اگر ایشان (اعلی حضرت) قبلاً این موضوع را می دانستند که دولت قصد ایفای تعهدات خود را ندارد ، ملتزمان رکاب و مدت اقامت خود را در اروپا از همان اول کار تقلیل می دادند . اعلی حضرت وضع فلاکت آمیز خود را با آب و تاب هر چه تمام تر شرح دادند و گفتند که این پول ها را برای خودشان نمی خواهند بلکه برای تأدیه قرض هایی که در اروپا پیدا کرده اند لازم دارند .

از ایشان استدعا کردم که وضع وخیم کشورشان را در نظر بگیرند و در این لحظه حساس برای خاطر وطن فداکاری کنند و از این مطالبات عجائبات چشم ببوشند و لا اقل دوسه ماه صبر کنند تا وضع دارائی ایران سر و صورتی پیدا کند . به ایشان خاطر نشان

کردم که اگر حکومت متبوع من بولی از این حقیقت ببرد که قسمتی از کمک ماهیانه دولت انگلیس به دولت ایران، که با این عجله و اصرار درخواست می‌شود، صرف تأدیة مخارج سفر اعلیٰ حضرت به اروپا و تأمین محل مالی برای این گونه مطالبات می‌گردد، بیگمان از ادامه پرداخت آن در آتیه جلوگیری خواهند کرد.

متأسفم بگویم که اندرزهای صادقانه من با اینکه در حدود يك ساعت و نیم طول کشید کوچکترین اثری در اعلیٰ حضرت نبخشید.... معظم له به طور مداوم اظهار می‌داشت که این پول برای وی لازم است ولی برای خزانه داری انگلستان در حکم قطره‌ای بیش نیست. من جواب دادم که فکر نمی‌کنم دولت متبوع من منطق اعلیٰ حضرت را به صورتی که بیان می‌شود قبول داشته باشد.... (۱)

روز بعد نوومن جریان مصاحبه خود را با احمد شاه به کفیل وزارت امور خارجه ایران که به ملاقاتش آمده بود اطلاع داد:

«.... ولی مشارالیه گفته شاه را تکذیب کرد و گفت که دولت ایران ابداً چنین قولی به اعلیٰ حضرت نداده بود که تمام مخارج سفرشان را در اروپا تأدیة کند بلکه تنها پرداخت يك قسمت از این مخارج را به عهده گرفته بود و اضافه بر آن را هرچه می‌شد خود اعلیٰ حضرت می‌بایست بپردازد.

اما اینکه اعلیٰ حضرت ادعای بیچیزی و فلاکت کرده است آنها (به عقیده کفیل وزارت امور خارجه) حرفی است بی اساس چون معظم له در حال حاضر میلیون‌ها پول در بانک‌های اروپائی سپرده دارد.

مع الوصف کفیل وزارت امور خارجه همان نظر سابق مرا که قبلاً خدمتتان گزارش داده‌ام تأیید کرد و گفت که آرزودن دل احمد شاه در مواردی که پای پول در کار است به هیچ وجه صلاح نیست چون در آن صورت کینه سفارت بریتانیا را به دل خواهد گرفت و این بار علیه خود من (وزیر مختار بریتانیا) دسیسه خواهد کرد مگر اینکه دولتی مقتدر در ایران سرکار باشد که بتواند جلو دسیسه‌هایش را بگیرد.

به کفیل وزارت امور خارجه اطلاع دادم که طبق وظیفه‌ای که دارم ناچارم در مقابل درخواست‌های نامعقول شاه مقاومت کنم ولی البته این کار را با تدبیر و احتیاط صورت خواهیم داد... (۲)

۱- گزارش تلگرافی نوومن به لرد کرزن - مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا سند شماره

۴۷۶ (مورخ بیستم ژوئن) - ص ۵۳۰

۲- تلگراف نوومن به لرد کرزن - سند شماره ۴۷۸ (مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۲۰) -